

سبک زندگی دینی (مطالعه موردی؛ تحلیلی بر عوامل اسراف و

مصرف گرایی)

اژدر شمخانی*

کارشناس ارشد آموزش بزرگسالان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

آریان نادر بیگدیلو**

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات قم

عسگر درویش***

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۴)

چکیده

سال ۱۳۹۲ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» نامگذاری شده است. بنابراین، اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف به منظور یکی از ابعاد تحقق حماسه اقتصادی برای جامعه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، به طوری که فرهنگ مصرفی مناسب، امکان سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کند و از این طریق می‌تواند موجب رشد و توسعه اقتصادی جامعه شود. آنچه پدیده اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف را اولویت بخشیده، همانا اهمیت فاصله گرفتن از روند شکل‌گیری نوعی جامعه مصرفی است که الگوی مصرف در آن جامعه از شکل مصرف بهینه و منطقی منحرف شده است و فرهنگ مصرفی سیری‌ناپذیر مبتنی بر تجمل‌گرایی، اسراف و لذت‌طلبی بر آن حاکم گردیده است، به گونه‌ای که در چنین جامعه‌ای، انسان‌ها با مصرف، تنها به امید مصرف کردن زندگی می‌کنند. لذا پدیده مصرف‌زدگی که ویژگی آشکار چنین جوامعی است، ارمغان پیامدهای مصرف‌گرایی نظام سرمایه‌داری، همسو با روند جهانی شدن در ابعاد اقتصادی و فرهنگی است که به واسطه رسانه‌های پرشتاب، دیجیتال و تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطاتی در گسترش اقتصاد جهانی و توسعه بازارهای مصرف ملی و بین‌المللی به ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و تغییر رفتارهای مصرفی مردم پرداخته است. با توجه به اهمیت موضوع، هدف این پژوهش بررسی ابعاد گوناگون اصلاح الگوی مصرف (مدیریت مصرف) به عنوان یکی از عرصه‌های تحقق حماسه اقتصادی است. لذا نخست اهمیت و ضرورت اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف مورد بحث قرار می‌گیرد و پس از آن، ضرورت اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف از دیدگاه قرآن و روایات آورده شده است و در ادامه، نحوه شکل‌گیری و ترویج مصرف‌گرایی بررسی شده است و در پایان نیز پس از بحث درباره مصادیق اسراف و تبذیر و آثار آن، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: اصلاح الگوی مصرف، حماسه اقتصادی، مصرف گرایی، مصرف، الگوی مصرف.

* E-mail: azhdarshamkhani@yahoo.com

** E-mail: arian.bigdeli@yahoo.com

*** E-mail: jalekan-karoon@yahoo.com

مقدمه

بیش از یک دهه است که سکّان دار بصیر و دوراندیش انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی)، همزمان با برگزاری بزرگترین جشن ملی ایرانیان، سنت حسنه‌ای را بنیان نهاده‌اند و هر سال را به نام و شعاری زیننده، مزین می‌نمایند و همگان، به‌ویژه نخبگان، اندیشمندان، محققان و تمام کارگزاران را به اهتمام جدی برای عملیاتی نمودن آن مکلف می‌فرمایند. این نامگذاری‌ها که مبتنی بر شناخت عمیق و کافی معظّم‌له از نیازمندی‌ها، دردها و بیماری‌های مختلف اجتماعی است، عملاً به عنوان دغدغه اصلی و راهبرد محوری هر سال مبدل گردیده است و اذهان و افکار بخش‌های زیادی از جامعه را به خود معطوف نموده است و بستر ساز آثار و برکات و پیامدهای زیادی برای جامعه اسلامی شده است. مقام معظّم رهبری در آستانه دهه چهارم (دهه پیشرفت و عدالت)، با عنایت به الزام‌هایی نظیر: ۱- راهبردهای کلان نظام، ۱- شرایط بین‌المللی و تلاش غرب در مواجهه با نظام اسلامی، ۳- سند چشم‌انداز و برنامه پنج‌ساله، ۴- الویت‌های الگوی پیشرفت و عدالت به عنوان نقشه راه دهه چهارم، ۵- مشکلات و موانع اقتصادی داخلی و نیازهای ضروری کشور، ۶- اراده نظام جهت حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، ۷- تداوم رشد و پیشرفت کشور، ۸- اجرای کامل طرح هدفمندسازی پارانه‌ها، ۹- کاهش عوارض اختلافات سیاسی بر پیشرفت کشور، ۱۰- کاهش نرخ بیکاری، اشتغال و ...، سال ۱۳۹۰ را با عنوان سال «جهاد اقتصادی» نام نهادند و فرمودند: «من این سال را سال جهاد اقتصادی نامگذاری می‌کنم و از مسئولان کشور، چه در دولت چه در مجلس، چه در بخش‌های دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی می‌شوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند و مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست. باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم».

روشن است که انسان به لحاظ ویژگی خاص خود و برتری نسبت به سایر موجودات، تقدیرگر و حساب‌کننده است و با هدف و انگیزه دست به کاری می‌زند و تلاشی را پی می‌ریزد. در وجود انسان، تنظیم‌گری محترم و عامل موقّقیّت شمرده می‌شود (بهج/البلاغه / ن ۳۱). این تنظیم‌گری در همه ابعاد وجود او قابل مشاهده و سرایت است. یکی از این ابعاد، مصرف و استفاده از مواهب الهی و

منابع خدادادی است. مصرف در نگاه دینی، زمینه‌ای است برای دستیابی به کمال و قرب الهی و در چرخه اقتصادی، پایان خط تولید و عرضه است. با توجه به اینکه مصرف باید در خدمت انسان و مسیری برای رشد و تعالی معنوی او باشد (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۶۸: ۳۱)، چگونگی مصرف، بسیار تأثیرگذار است. لذا در جامعه‌ای که مصرف مطابق با الگوهای پذیرفته شده نیست، منابع و ذخایر آن جامعه سریع‌تر به پایان رسیده، هدف و انگیزه‌ای در مصرف مشاهده نمی‌شود. پس بایسته است با به کار بردن امکانات و محصولات، مطابق با نیازهای واقعی جامعه و اصلاح روند تولید و عرضه و تغییر نوع مصرف، بازنگری در زمان و مکان آن و افزایش یا کاهش میزان مصرف، زمینه بهینه نمودن آن فراهم گردد.

۱- بیان مسئله

مروری بر آمار و اخبار مربوط به اسراف و مصرف بیش از حد که در مغایرت با آموزه‌های دینی و ضرورت‌های ملی قرار دارد، گویای وجود پدیده‌ای به نام مصرف‌زدگی در جامعه ایران اسلامی است. حال آنکه نه تعریف ارزش‌ها و هویت انسان از دیدگاه اسلام و نه چنین هویتی از نگاه سنت و میراث ایرانی، ارتباطی با این نمایش مصرف دارد. این در حالی است که این اسراف و تبذیر در جامعه‌ای صورت می‌گیرد که برخی از خانواده‌ها از فراهم کردن حداقل‌های زندگی محروم هستند. لذا چنین پدیده‌ای، آزار ناشی از پدیده فاصله طبقاتی را نیز افزایش می‌دهد و یا حتی با تسری به طبقات پایین‌تر که گاه با خرید اقساطی و گرفتن وام و قرض برای مصارف بیهوده و صرفاً از روی تقلید و چشم و هم‌چشمی، زحمتهایی را بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند و در سطح کلان نیز موجب بروز آسیب دنیاگرایی، مصرف‌زدگی و غفلت از ارزش‌های انسانی است که به عبارتی دیگر، بی‌توجهی به ابعاد معنوی و روحی انسان را رقم زده است.

در سه دهه گذشته، مصرف‌گرایی بی‌رویه و بی‌قاعده به گونه‌ای رواج یافته است که فرهنگ دینی و ملی کشور را تحت الشعاع قرار داد، مردم را دچار عُسر و حرج و چشم و هم‌چشمی‌های رقابتی غیرقابل تحمل ساخت و کاروان کشور را در مسیر توسعه عدالت، از حرکت شتابان بازداشته است. از این رو، دیده‌بان حکیم انقلاب اسلامی، مردم و مسئولان را در سال ۱۳۸۸ به «اصلاح

الگوی مصرف» فراخواندند و در راستای جهت‌دهی به امکانات و فعالیت‌های کلان کشور، سال ۱۳۹۰ را به نام «جهاد اقتصادی» نامگذاری فرمودند تا گامی بلند در راستای پیشرفت و آبادانی ایران اسلامی و امتداد شعار سال گذشته با عنوان کار و همت مضاعف باشد. با توجه به اهمیت بالای بحث، در این نوشتار پرسش‌های متعددی مطرح می‌شود؛ مثلاً اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی چگونه و از چه زمانی گسترش یافت؟ مصرف‌گرایی دارای چه ابعاد و عرصه‌هایی است؟ چالش‌های پیش روی اصلاح الگوی مصرف کدامند؟ چه راهکارهایی برای اصلاح الگوی مصرف کارآمدتر است؟ و پرسش‌های دیگری از این قبیل.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

از جمله آسیب‌های جدی در جامعه ما، روحیه اسراف و مصرف‌زدگی است که با هیچ یک از آموزه‌های دینی و ملی ما سازگار نیست و با ضرورت‌های اجتماعی امروز کشورمان نیز مغایرت آشکار دارد. کشوری که یک انقلاب دینی را پشت سر گذاشته، آن هم انقلابی که با تکیه بر بازگشت به خویش اسلامی و ملی، هویت ملی و مذهبی را احیاء کرده است و داعیه تمدن‌سازی را دارد، این مسیر، مستلزم تولید ثروت، دانش و قدرت است. اما برخی غفلت‌ها و تحولات کشور را به مسابقه در مصرف و مصرف‌زدگی گرفتار کرده است. اهمیت رسیدگی به این آسیب بدان پایه است که رهبر معظم انقلاب، نسبت به آن چنین ابراز نگرانی می‌فرماید: «اینجور مصرف کردن در همه زمینه‌ها - در امور ضروری زندگی، در زیاده‌های زندگی، مصرف کردن بی‌رویه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ما است. من از عموم مردم و به خصوص از مسئولین درخواست می‌کنم، خواهش می‌کنم که در این زمینه فعالیت خودشان را در این سال زیاد کنند، افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه‌ریزی کنند» (هفته‌نامه صبح صادق: ۱۳۸۸). مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) مصرف‌گرایی را عامل شکاف طبقاتی و بلای بزرگ جامعه دانسته‌اند و بخش‌های مختلف دولتی، تبلیغی و فرهنگی را به فرهنگ‌سازی روحیه قناعت و صرفه‌جویی در جامعه دعوت نموده‌اند و می‌فرمایند:

«مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روزه‌روز شکاف‌های طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه

بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاه‌های مسئول بخش‌های مختلف دولتی، به‌خصوص دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی - به‌ویژه صدا و سیما - باید وظیفه خود را بدانند، مردم را به سمت قناعت و اکتفا و به اندازه لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی جامعه را از پا درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدان‌های مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادی‌ها بزنیم» (هفته‌نامه صبح صادق، ۱۳۸۸: شماره ۴) (ر.ک؛ سنایی‌فر، ۱۳۸۸: ۳۷). اتخاذ الگوی صحیح و منطقی در مصرف، آثار فردی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد؛ زیرا در سطح کلان، تا امکانات یک جامعه با نیازها و خواسته‌های افراد آن جامعه متناسب و هماهنگ نباشد، کسب استقلال اقتصادی و دستیابی به عزت و سرافرازی ممکن نمی‌گردد و در سطح فردی، بدون اجتناب از مصارف غیرضروری و تجملی و تقدیر معیشت به معنای متوازن کردن درآمدها و هزینه‌ها، آرامش روحی و روانی که شرط اصلی رفاه مادی است، به وجود نمی‌آید (ر.ک؛ رزاقی، ۱۳۷۴: ۱۶۳-۱۶۴). مصرف به یکی از روایت‌ها و بحث‌های اساسی دز نیمه دوم قرن بیستم تبدیل شده است. رؤیت‌پذیری فزاینده مکان‌های مصرف و تکثیر و فزونی کالاهای مصرفی و تصاویر به این امر منجر شده است که امروزه مفسران اجتماعی از مصرف، بیشتر از تولید به عنوان نیروی پیش‌برنده جامعه معاصر یاد می‌کنند (ر.ک؛ ربانی و رستگار، ۱۳۸۷: ۴۴-۵۳). امروزه مصرف بخش اساسی و جدایی‌ناپذیر در ساخت جامعه معاصر محسوب می‌شود که دوری کردن از آن در اشکال اجتماعی سرمایه‌داری تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد؛ به عبارتی، حوزه‌های بسیار کمی در زندگی روزمره وجود دارد که تحت تأثیر روندها و اعمال مصرفی قرار نمی‌گیرند و یا به آن مربوط نمی‌شوند (Edwards, 2000: 5). ولی باید متوجه این مسئله شویم که شکل‌گیری الگوی مصرف بی‌رویه مبتنی بر تجمل، اسراف، تنوع و لذت در رفتارهای مصرفی افراد و غلبه فرهنگ مصرف‌گرایی مبتنی بر احساس بی‌معنایی و عدم احساس تعهد و مسئولیت بر فرهنگ اجتماع است که تحت تأثیر سبک‌ها و الگوهای رایج غربی به واسطه تبلیغات رسانه‌ای، رفتار مصرفی خانواده‌ها، به‌ویژه جوانان را تغییر داده است و آنها را به رقابت در مصرف در راستای پیوند الگوهای وارداتی که مغایر با فرهنگ ملی، باورها و آموزه‌های دینی ملت است، به شکل‌گیری جامعه مصرف‌گرا می‌انجامد. با توجه به چنین ابعادی است که این مسئله (مصرف‌گرایی) شأنیت بررسی علمی را یافته است، چراکه بروز

این پدیده، ناشی از نوعی طغیان و بی‌توجهی نسبت به آموزه‌های تعدیل‌کننده و عدول از مسیر انسانیت‌ایمانی و اسلامی است. در چنین شرایطی، به زعم نویسنده کتاب *الحیات*، «چون اسراف از عوامل سقوط فردی و ستم اجتماعی و از اسباب رواج فقر و ناکامی از سویی، و خودنمایی و بی‌بندوباری از سویی دیگر، در میان مردم است، بر علمای دین است که با اسراف به مبارزه برخیزند و با مسرفان و بردگان مصرف‌بی‌حساب کارزار کنند و در این راه، از همهٔ وسائل و روش‌هایی که دارند، مدد گیرند» (حکیمی، ۱۳۷۸: ۳۳۹).

۳- مفهوم‌شناسی موضوع

ابتدا لازم است به تجزیهٔ واژگان اصلاح‌الگوی مصرف و بیان معانی آنها بپردازیم.

اصلاح (Reformation): فرآیند تغییر تدریجی چیزی یا حالتی به منظور بهتر ساختن یا بهبود وضعیت آن نسبت به قبل.

الگو (Pattern): مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، اعم از اطلاعات، فرضیات مشترک، اصول، روش‌ها و نظریات که در اشکال مختلف کلامی، تصویری، سمبلیک یا ریاضی به منظور تصویر یا معرفی پدیدهٔ معینی شکل می‌گیرد.

مصرف (Consumption): واژهٔ مصرف در لغت به معنای خوردن، نوشیدن یا استفاده از چیزی و در معنایی دیگر، به معنی استفاده از مقدار منابع به کار رفته که معادل آن واژه‌هایی چون کاربرد و استعمال، استفاده، بهره‌برداری است و در اصطلاح، به معنای استفادهٔ مناسب از منابع گوناگون به کار رفته، برای ادامهٔ زندگی عادی است.

به طور کلی، در تعریف اصلاح‌الگوی مصرف می‌توان گفت فرآیند بهبود مداوم رفتارها و روش‌های موجود مصرف‌کنندگان در استفاده از کالاها و منابع گوناگون از طریق ارتقای دانش، بینش و نگرش آنان و در نتیجه، نهادینه کردن الگوهای درست و پایدار مصرف در جامعه است (ر.ک؛ بقایی و قهرمانی فرد، ۱۳۸۸: ۶۰). الگوی مصرف عبارت است از شیوه‌ای برای مصرف که مبتنی بر نیازهای واقعی انسان و امکانات زیستی باشد. اصلاح‌الگوی مصرف به معنای کم کردن

مصرف و صرفه‌جویی صرف نیست، بلکه بهره‌برداری بهینه، برنامه‌ریزی‌شده و مطلوب از امکانات و منابع در بخش‌های مختلف را در بر می‌گیرد و هدف از مباحث الگوی مصرف عبارت است از: کاهش ضایعات، تعیین جایگزین‌ها با توجه به امکانات اجرایی و عملی آنها و نیز بهبود کیفیت مصرف اقتصادی.

اسراف: اسراف از ریشه «سرف» به معنای تجاوز کردن از حد هر عملی، یعنی انجام زیاده از حد عمل است (ر.ک؛ عزّتی، ۱۳۸۸: ۸۴ و سنایی‌فر، ۱۳۸۸: ۵۴). از نگاه واژه‌شناسان، اسراف مفهومی گسترده و به معنای خروج از اعتدال و فرارفتن از مطلق حدود است. ابن‌منظور می‌نویسد: «اسراف، تجاوز از حد اعتدال است» (ر.ک؛ ابن‌منظور، به نقل از کلانتری، ۱۳۸۷: ۱۹). در عبارت فیروزآبادی نیز آمده است: «السرف ضدّ القصد» (همان: ۳۳). راغب نیز می‌نویسد: «اسراف عبارت است از تجاوز از حد در هر کاری که انسان انجام می‌دهد، اگرچه این امر در مورد انفاق مشهورتر است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳ق: ۴۰۷).

تبذیر: تبذیر نیز از ریشه «بذّر» به معنای پاشیدن و استعاره از به هدردادن دارایی‌هاست و چنان‌چه دارایی، بیش از حد مصرف شود نیز تبذیر تلقی می‌شود (ر.ک؛ عزّتی، ۱۳۸۸: ۸۵). برخی گفته‌اند: تبذیر عبارت است از هزینه کردن مال در آنچه سزاوار است مصرف شود. بر اساس برخی از آیات قرآن کریم و سخن واژه‌شناسان، می‌توان تفاوت این دو اصطلاح را به این دانست که اسراف دایره‌ای گسترده دارد و به همه آنچه از انسان سر می‌زند، مربوط می‌شود و حال آنکه تبذیر به بذل و بخشش و مانند آن از امور مالی محدود می‌گردد (ر.ک؛ سنایی‌فر، ۱۳۸۸: ۵۴).

۴- نحوه شکل‌گیری و ترویج مصرف‌زدگی (اسراف) و تجمل‌گرایی در ایران

بر اساس شواهد تاریخی، بدیهی است که مردم ایران در دوران شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی از تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری و زرق و برق‌های مادی برخوردار نبود. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران طاغوت که بیت‌المال عمومی و خزانه کشور و درآمدهای حاصل از فروش نفت در انحصار دربار بود، نه تنها مردم از مواهب طبیعی، درآمدها و سرمایه‌های کشور بی‌نصیب بودند،

بلکه دارایی‌های کشور در راه توسعه زیرساخت‌ها و پیشرفت و ترقی کشور نیز هزینه نمی‌شد، خزانه کشور، خزانه دربار طاغوت بود و اسراف، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری در انحصار آنان بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فرار درباریان و اشراف سلطنتی، مردم به رهبری امام خمینی^(۵) و با محوریت روحانیت در چارچوب آموزه‌های دینی و انقلابی بر سرنوشت خویش حاکم گشتند. در این دوره حساس، برای پایه‌ریزی نظامی متفاوت با گذشته و متکی بر اسلام و حمایت مردم، راه پرفراز و نشیبی را پیش رو داشت. آنچه به این نوشتار ارتباط دارد اینکه آحاد جامعه، دولت‌مردان و نیروهای انقلابی، علی‌رغم محرومیت نسبی خویش، جان و مال خود را برای تقویت نظام اسلامی در طبق اخلاص گذاشتند و هشت سال دوران دفاع مقدس را با ایثار و انفاق تحمل کردند و به پیروزی رساندند.

با این توصیف، در دوران پس از انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، از اشرافی‌گری، اسراف و تبذیر، تجمل‌گرایی و ناهنجاری‌هایی از این قبیل خبری نبود. پس آنچه وضع موجود را زمینه‌سازی کرد، به بعد از دفاع مقدس بازمی‌گردد.

با روی کار آمدن دولت موسوم به سازندگی پس از دفاع مقدس از یک سو، به اقتضای شرایط و نیازهای مربوط به بازسازی خرابی‌ها و بازگشت آوارگان، ضرورت تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشور و از سوی دیگر، افکار و سیاست‌های دولت‌مردان نورسیده و طبقه نوظهوری که شماری از آنها بعداً به تکنوکرات‌ها، باند نیویورک، مدافعان توسعه برون‌زا و متمایل به نظام اقتصادی معطوف به سرمایه‌داری لیبرال و اقتصاد جهانی موسوم گشتند، سبب شد تا فرهنگ و رویکردی متفاوت از گذشته ترویج شود. در شرایط جدید فرهنگ دوران انقلاب و روحیات جهادی دفاع مقدس و نیز پیش‌کسوتان جهاد و شهادت به فراموشی سپرده شدند و در مدت کوتاهی، طبقه‌ای نوکیسه با روحیات اشرافی‌گری، تجمل‌گرایی، ریخت‌وپاش اداری، رانت‌خواری، ویژه‌خواری، انحصارطلبی و جلسات و سمینارهای پرهزینه پدید آمدند که فرهنگ عمومی را نیز متأثر ساختند.

آنچه سبب گردید تا این فرهنگ و روحیات فراگیر شود، این بود که طبقه اشرافی تازه به دوران رسیده با حمایت برخی بزرگان و جریان‌های تسلط‌یافته در دولت‌های بعدی نیز مهار فرهنگ و اقتصاد کشور را به صورت انحصاری و موروثی تصاحب و آن را حق خویش می‌دانستند و کسی را

یاری انتقاد و یا تغییر ناهنجاری‌های پدید آمده نبود، حزب کارگزاران سازندگی که بعدها برخی افراد شاخص آن، ایدئولوژی و الگوی مطلوب حزب را لیبرال دمکراسی نامیدند، برای نهادینه کردن قدرت و اهداف خویش زمینه‌سازی تشکیل جریان سیاسی جدیدی و تربیت و تقویت فعالان سیاسی وفادار به خود را در دستور کار قرار دادند، تا اینکه مطلوب خویش را در قالب جبهه دوم خرداد، سازماندهی و برای دولت پس از خویش به صحنه رقابت کشاندند. در دوران دوم خرداد، ولنگاری فرهنگی، بی‌برنامگی اقتصادی، شیفتگی دولت‌مردان به غرب و محصولات فرهنگی و واردات غرب وضعیتی را پیش آورد که امروزه توسعه و استقلال کشور در گرو تغییر و اصلاح آن است و مقام معظم رهبری اصلاح الگوی مصرف را شعار سال ۸۸ نامیدند. هرچند رویکرد یاد شده در دولت عدالت‌خواه، ساده‌زیست و ولایت‌مدار، پرتلاش، کم‌مصرف و پایبند به آموزه‌های دینی و ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی و رفاه عمومی تا حدودی کنترل و هدایت گردید، لیکن بهبود مطلوب و تحوّل همه‌جانبه وضع موجود، نیازمند زمان بیشتر، اجماع فراگیرتر، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع‌تری است که مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خویش و سخنرانی در حرم مطهر امام رضا^(ع) ابعاد آن را ترسیم نمودند.

دکتر سبحانی که چند دوره در مجلس حضور داشته است و از کارشناسانی هستند که در تدوین برنامه ۵ ساله اول و دوم دخیل بوده‌اند، می‌گوید دولت‌ها در سال‌های پس از جنگ، لزوماً در صدد عملیاتی کردن اقتصاد اسلامی نبوده‌اند، بلکه با توجه به مشکلات اقتصادی کشور، با بهره‌مندی از بخشی از کارشناسان سازمان‌های دولتی به تهیه و ارائه برنامه‌هایی اقدام نموده‌اند که به نظرشان می‌آمد، می‌تواند بخشی از کمبودها، نواقص و کاستی‌های مزمن اقتصاد ایران را برطرف نماید. ایشان در مقطع دیگری تصریح کردند که دولت سازندگی تأکید کرده بود که ملاحظات و خواسته‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را در تدوین برنامه‌ها در اولویت قرار دهیم. دکتر دادگر نیز معتقدند که برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی با اینکه زمینه‌ساز تحولاتی در کشور بودند و برخی از اهداف کمی را هم پوشاندند، اما در ارتباط با شاخصه‌های مورد نظر در قالب عزت و اقتدار اقتصادی و با ملاحظه عناصر اقتصادی آن موفق نبوده‌اند (ر.ک؛ مرادزاده، ۱۳۸۸: ۵۶ و ۶۰).

۵- عوامل مؤثر بر مصرف‌گرایی (اسراف) در ایران

۱-۵) جهل و ناآگاهی

نادانی، زمینه‌ساز بسیاری از انحراف‌های اخلاقی و رفتاری از جمله اسراف و تبذیر می‌باشد. امام علی^(ع) می‌فرماید: «نادان شناخته نشود، مگر در کارها، زیاده‌روی یا کوتاهی کند» (نهج‌البلاغه / ح ۶۷).

۲-۵) غفلت و بی‌توجهی مسئولان و کارگزاران به رسالت‌های انسانی

کمبود نیرو، ضرورت سرعت در جبران عقب‌ماندگی‌ها و خرابی‌های ناشی از چپاول سردمداران رژیم گذشته، جنگ و درگیری ضد انقلاب، نداشتن الگوی اقتصادی برخاسته از فرهنگ دینی و خودباختگی در برابر الگوها و شیوه‌های جاری برخاسته از فرهنگ و تفکر غربی و یا حتی الگو گرفتن از کشورهای در حال توسعه‌ای همچون سنگاپور، کره جنوبی و مالزی منجر به بروز فضایی گردیده که روحیه قناعت و ساده‌زیستی ناشی از انقلاب و ۸ سال دفاع مقدس را به حاشیه رانده و امروز نمایش ثروت و برتری دنیوی، مجدداً در همه ابعاد ممکن در جامعه رواج یافته است.

تأسف‌بارتر اینکه منشاء بسیاری از اسراف‌ها در بی‌اعتنایی به بیت‌المال و ارائه الگوی مصرف بد از سازمان‌های دولتی و شیوه مدیریت اسراف‌کارانه مدیران است؛ مدیرانی که بعضاً اسراف و تجمل را بخشی از الزامات مدیریتی تلقی می‌کنند و به تبعات فرهنگی و اجتماعی آن توجه ندارند. حال آنکه الگوی علوی حکومت تا بدان پایه دقیق و ظریف است که در دستورهای اجرایی آن آمده است: «أدِقُوا أَقْلَامَكُمْ و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عتی فضولکم»؛ یعنی قلم‌های خود را نازک کنید، فاصله میان سطرهای نامه را نزدیک و سخنان زاید را حذف کنید.

چنین پدیده‌ای هشدار رهبر معظم انقلاب را برانگیخته است و ایشان می‌فرماید: «مسئولان موظف‌اند. اسراف فقط در زمینه فردی نیست. در سطح ملی هم اسراف می‌شود» (هفته‌نامه صبح صادق: ۱۳۸۸).

۳-۵) پیروی از هوی و هوس

هواپرستی و گرایش نفس به لذت‌های مادی، سیری‌ناپذیر است. اگر خواسته‌های نفسانی با آموزه‌های دینی و عقلانی مهار نگردد، از نظر روحی و روانی سرچشمه غفلت از خدا و خلق می‌گردد.

۴-۵) فراموشی از خویشتن انسانی و سرگرمی به دنیا و مظاهر مادی

در حالی که خداوند تبارک و تعالی رمز عاقبت به خیری و سعادت را مواظبت بر خویش و عبادت پروردگار دانسته است و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید ﴿(المائدة/۱۰۵)﴾. اما فراموشی و غفلت موجب زیان و خسران شده، حتی به ایجاد یک خلاء ارزشی منجر می‌شود. در چنین شرایطی که نگاه‌ها از ابعاد معنوی و روحی به سوی ابعاد مادی و جسمی تغییر جهت می‌دهد، نوعی اشتباهی سیری‌ناپذیر به مصرف برای جبران حقارت‌ها نیز پدید می‌آید. در این فضا، کسب جایگاه و منزلت دنیوی جای نیل به مقامات معنوی و ذخیره اخروی را می‌گیرد.

نویسنده توسعه و تضاد با اشاره به کاهش معنویت‌گرایی در جامعه امروزی معتقد است: «انسان‌ها عموماً احساس بی‌ارزشی می‌کنند و مجبورند برای کسب ارزش، خود را با وسایل و تزئین‌ها بیارایند؛ یعنی این تزئین‌ها هستند که به آنها ارزش می‌دهند. چرا؟! زیرا چنان‌که گفتیم، انسان‌ها نیاز به احترام و منزلت دارند و مقیاس این نیاز از طریق مردم و آنچه که بین آنها معمول (هنجار) شده است، تعیین می‌گردد» (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۲۰۷).

۶-۵) روحیه ثروت‌اندوزی و رفاه‌زدگی

ثروتمندی همراه با روحیه اسراف و مصرف‌گرایی، زمینه‌ساز اسراف است. خانواده‌ای که درآمد مالی و سرمایه‌اش تنها به اندازه ضرورت‌ها و نیازهای اوست، به ناچار برای پاسخگویی بدان ضرورت‌ها، در صدد کنترل مصرف و اندازه‌گیری در آن برخواهد آمد، ولی اگر میزان ثروت آن بر مقدار احتیاج‌ها و نیازهای واقعی آن افزوده شود، چنان‌چه اعضا، به‌ویژه مدیر خانواده، از تربیت

اخلاقی و فرهنگ صحیح مصرف بی‌بهره باشند، به خیال اینکه زیاده‌روی و اسراف، به بُنیهٔ مالی آنان خلل نمی‌رساند، به این عمل کشیده خواهند شد، ولی باید توجه داشت که اولاً همیشه روال زندگی به یک منوال نیست و فراز و نشیب‌های زیادی بر سر راه آن وجود دارد. چه بسا خانواده‌هایی که زمانی در اوج عزت و رفاه به سر برده‌اند و پس از مدتی به مسکنت و فقر مبتلا شده‌اند. از این رو، انسان معتدل و آینده‌نگر، در روزگار وسعت به فکر روز محنت هم می‌باشد و با پرهیز از اسراف و تبذیر، آیندهٔ خویش را هم در نظر می‌گیرد. ثانیاً چه اشکال دارد انسان به قدر ضرورت و رفع نیازهای معمولی از ثروت خود استفاده کند و اضافهٔ آن را در راه برطرف کردن احتیاج‌ها و نیازمندی‌های دیگر هم‌نوعان خویش به کار گیرد. این از حیل‌های شیطان است که هر چه انسان به اسراف و تبذیر روی بیاورد، به او وعدهٔ فقر نمی‌دهد و این کار را به عنوان دست‌ودلبازی در نظرش جلوه می‌دهد، ولی همین که بخواهد مقداری از ثروت خویش را در راه رفاه جامعه به مصرف برساند، با هزاران وعده و وعید، او را از آیندهٔ خویش می‌ترساند و از ابتلای به تنگدستی و احتیاج‌نگران می‌سازد (ر.ک؛ عبداللّهی، ۱۳۹۲: ۶۲). قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مِّنْهُ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

شیطان شما را وعده فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشا امر می‌کند، ولی خداوند وعدهٔ آمرزش و فزونی به شما می‌دهد و خداوند قدرتش وسیع و (به هر چیز) داناست. ﴿البقره/۲۶۸﴾.

۵-۷) از خودبیگانگی و تقلید از فرهنگ مصرفی غرب

در حالی که انسان تعریف شده در فرهنگ اسلامی و ایرانی به دنبال حفظ مقام آدمیت و جستجوی انسان کامل است، انسان برخاسته از فرهنگ و تفکر مادی غرب، به دنبال لذت‌جویی و جستجوی مواهب دنیوی صرف می‌باشد. اما متأسفانه از دورهٔ قاجاریه به این سو، نوعی دنباله‌روی و تقلید از غرب بر هویت اسلامی و ایرانی ما سایه انداخته است و مراجع هنجارفرست ما به تبلیغ و اشاعهٔ شیوه‌های مصرف‌گرا و مادی غرب می‌پردازند. وجود یک خصلت بومی، یعنی چشم و هم‌چشمی ایران هم به این پدیده دامن می‌زند. در این میان، «قشر بالای جامعه که عموماً در پی حفظ برتری مالی و منزلتی خود هستند و از آنجا که عدهٔ قابل توجهی از ایرانیان با غرب در ارتباط هستند، بالطبع به منظور حفظ برتری خود، از معیارهای ارزشی کمیاب در داخل (یعنی ارزش‌های

خارجی نظیر اتومبیل، لوازم، البسه، موسیقی، غذا، نوشابه و یا حتی رفتار... استفاده می‌کنند و آنگاه قشر متوسط و فقیر نیز به تدریج از اینان پیروی می‌نمایند. جالب آن است که در این فرایند، دستگاه‌های ارتباط جمعی نظیر رادیو، تلویزیون، سینماها و مجلات نیز برای مقبول واقع شدن (جذب مخاطب) و نیز به علت آنکه از نظر سازماندهی، ماهیتاً دارای این خصلت هستند، در برنامه خود (سریال‌ها، تبلیغات، فیلم‌ها و ...) به این فرایند گسترش ارزش‌های غربی کمک می‌کنند» (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۵۰۳).

این پدیده که ناشی از نوعی غرب‌باوری و تقلید از ارزش‌های غربی است، امروز به مصرف‌گرایی در جامعه کمک می‌کند و متأسفانه آن دسته از اقشاری که به عنوان گروه مرجع نیز مطرح می‌باشند، نقش شروع‌کننده و اشاعه‌دهنده آن را بر عهده دارند و عوامل زیر این فرایند را تشدید می‌کند:

۳-۱) واردات کالاها و ایجاد وسوسه مصرف

۳-۲) تبلیغات تجاری که تحت تأثیر سود و منفعت مادی اشتباهی مصرف را دامن می‌زند.

۳-۳) نیازآفرینی با امکان دستیابی به کالاهای جدید.

در واقع، فرایندی که از گرایش به فرهنگ غرب و تقلید از آن شروع می‌شود، به وابستگی و مصرف‌گرایی منتهی می‌شود که ناشی از پذیرش مادی و جایگزین شدن مصرف به عنوان یک ارزش برای احساس بزرگی به جای ارزش‌های معنوی فراموش شده و به محقق افتاده فرهنگ و تفکر دینی و ایرانی است (ر.ک؛ سنایی‌راد، ۱۳۸۸: ۶۵).

۸-۵) رذیلت‌ها و فساد اخلاقی

برخی رذایل اخلاقی، همچون خودبرتربینی و خودنمایی با اسراف و تبذیر رابطه مستقیم دارد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر کس جامه‌ای بپوشد و با آن فخرفروشی کند، خداوند او را از لبه دوزخ به قعر آن فرو خواهد برد» (صدوق، ۱۳۶۸، ج ۴: ۱۳).

۶- پدیده جهانی سازی و یکسان سازی هویت انسان‌ها

برای مصرف کالاهای متحدالشکل و انبوه - منافع تراستها و کارتل‌های بزرگ اقتصادی و منافع شرکت‌های بزرگ تولیدی در گرد یکسان شدن علایق و ارزش‌های ملت‌ها و اقوام گوناگون برای ارائه تولیدی انبوه و متحدالشکل است که به کاهش هزینه و سود بیشتر منجر گردد. در ظاهر، چنین پدیده‌ای رنگ اقتصادی به خود می‌گیرد، اما زمینه‌ای فرهنگی و یا حتی سیاسی برای آن شکل می‌گیرد؛ به عبارتی، ابتدا فرهنگ مصرفی شکل می‌گیرد که حتی ماهیت اقتصادی مصرف را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. «فرهنگ مصرفی نه تنها ارزش نمادین و فرامعیشتی به مصرف می‌دهد، بلکه در بیشتر موارد، به این جنبه از مصرف در مقابل جنبه دیگر آن (مصرف به عنوان تأمین کننده نیازهای زیستی) اولویت می‌بخشد (ر.ک؛ گل محمدی، بی تا: ۱۰۲).

جهانی سازی وقتی با منافع کارتل‌ها و قدرتهای اقتصادی پیوند می‌خورد، یک پروژه برای یکسان سازی سلیقه‌ها و یکدست شدن ذوق مصرف کننده برای فروش کالای انبوه است. در چنین پروژه‌ای، هویت‌های سنتی و قومی باید به نفع فرهنگ مصرفی مورد نظر کارتل‌های جهانی وتو می‌شود (ر.ک؛ سنایی‌راد، ۱۳۸۸: ۶۵).

۱-۶) الگوپذیری از مسرفان

قرآن کریم آشکارا دستور می‌دهد که «هرگز از مسرفان پیروی نکنید» (الشعراء/۱۱۵). تولید و عرضه نادرست و نامطلوب کالا: تولید کالاهای غیراستاندارد زمینه‌ساز اسراف است. - انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای خاص: این وضع به لذت‌جویی و تجمل‌گرایی کشانده می‌شود.

- حاکمیت ارزش‌ها و فرهنگ تکاثری و غیرالهی: روحیه چشم و هم‌چشمی و رقابت در مصرف‌گرایی، رسوخ بنیادهای اعتقادی و اخلاقی بیگانه در جامعه، الگوپذیری از مترفان در گسترش اسراف مؤثرند (ر.ک؛ مرادزاده، ۱۳۸۸: ۵۷).

- نفوذ سرمایه‌داران، تجمل‌گراها و مسرفان به حکومت‌ها: اینان در صورت دستیابی به مناصب حکومتی فرهنگ و روحیه خود را ترویج می‌کنند.

۲-۶) وسواس

وسواسی بودن از بیماری‌های روانی است که اضافه بر هدر دادن عمر و فرسودن اعصاب و قوای روحی و جسمی، از موجبات و ریشه‌های اسراف محسوب می‌شود. به عنوان نمونه، ممکن است کسی در موضوع ضیافت و پذیرایی از میهمان، دچار وسواس باشد که با وجود تهیه غذای مناسب برای میهمان، باز هم مرتب از اینکه نکند به طور شایسته از او پذیرایی به عمل نیاورده باشد، دچار ناراحتی شود و به دنبال آن برای فراهم کردن سفره‌ای پُرخرج و سنگین، به ورطه اسراف و تبذیر درافتد. همچنین کسی که در نوع پوشش، از کفش، لباس و یا وسائل و لوازم منزل دچار وسواس است، همواره در اندیشه تعویض و تبدیل به احسن به سر می‌برد و با مشکل، از داشتن نوع معینی از لباس و یا وسیله زندگی راضی می‌شود و همیشه فکر می‌کند آنچه دارد، در خور او نیست و با شأن او مناسبتی ندارد. این گونه از افراد وقتی برای خرید هم به بازار می‌روند، تا جان خود و همراهانشان را به لب نرسانند، به چیزی برای خریداری رضایت نمی‌دهند و مجبورند زمانی از عمر گرانبهای خود را در پاساژها، مغازه‌ها و در حال خرید به سر ببرند و ناگفته پیداست که در این میان چه بلایی بر سر اموال و سرمایه زندگی خویش وارد می‌آورند. همچنین شخصی که در وضو یا غسل گرفتار وسواس است، خیال می‌کند با این عمل وضو و غسل او بهتر و کامل‌تر انجام می‌گیرد و چه بسا اعمال دیگران را نیز باطل فرض می‌کند، ولی توجه ندارد که خود این عمل، مخالف سیره رسول اکرم (ص) است؛ زیرا بر طبق روایات معتبر، آن حضرت برای تمام اعمال وضو، تنها سه مشت آب مصرف می‌فرمود (ر.ک؛ عبداللّهی، ۱۳۹۲: ۶۰). همچنین ممکن است بعضی در باب نظافت شخصی دچار این عذاب روحی باشند و در حال استحمام و یا شستن لباس‌ها، ظروف غذا و مانند آن، گرفتار حالت وسواس باشند و بدین وسیله، این نعمت عظیم خداوندی و مایه حیات را به نابودی بکشانند. بنابراین، اسراف و تبذیر، به‌ویژه در مصرف آب که امروزه صرفه‌جویی کامل در آن، از ضرورت‌های حیات انسانی است، از ثمره‌های تلخ وسواس و از نتیجه‌های ناگوار آن به شمار می‌آید.

۷- ضرورت اصلاح الگوی مصرف بر اساس آیات و روایات

در آیات قرآن کریم و روایات وارده، از جهت‌های گوناگونی بر ضرورت اصلاح الگوی مصرف تأکید شده است. در اینجا به برخی از آیات و روایات موجود در این زمینه اشاره می‌شود.

* ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ (بسرمد) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزین) که زشت‌ترین صداها صدای خران است ﴿(لقمان/۱۹).

* ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرِّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ اوست که باغ‌های معروش [= باغ‌هایی که درختانش روی داربست‌ها قرار دارد]، و باغ‌های غیرمعروش [= باغ‌هایی که نیاز به داربست ندارد] را آفرید؛ همچنین نخل و انواع زراعت را که از نظر میوه و طعم با هم متفاوت‌اند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند؛ (برگ و ساختمان ظاهری آنها شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت می‌باشد). از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید و حق آن را به هنگام درو بپردازید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد! ﴿(الأنعام/۱۴۱).

* ﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ همان کسی که بخل می‌ورزد و مردم را به بخل وامی‌دارند و برای کافران عذابی خوار کننده آماده کرده‌ایم ﴿(النساء/۳۷).

* ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ کسانی که بخل می‌ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی‌کنند، گمان نکنند این کار به سود آنهاست، بلکه برای آنها شر است؛ به‌زودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل

ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می‌افکنند و میراث آسمان‌ها و زمین، از آن خداست؛ و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است ﴿(آل عمران/۱۸۰)﴾.

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾: و برای کسانی است که در این سرا و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند، دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده، احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند. کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده‌اند، رستگارانند! ﴿(الحشر/۹)﴾.

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾: ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد! ﴿(الأعراف/۳۱)﴾.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتِطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾: پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است؛ و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند! ﴿(التغابن/۱۶)﴾.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾: و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند! ﴿(الفرقان/۶۷)﴾.

﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾: و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! ﴿همان‌ها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند﴾ (الشعراء/۱۵۱-۱۵۲).

* امام علی (ع) می‌فرماید: «كُلُّ مَا زَادَ عَلَيَّ الْاِقْتِصَادِ اِسْرَافٌ: هر چه بیش از میانه‌روی باشد، اسراف است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ح ۸۱۱۶)؛ «مَا فَوْقَ الْكِفَافِ اِسْرَافٌ: بیش از کفاف (اندازه کفایت)، اسراف است» (همان: ح ۸۱۱۷)؛ به نقل از مرکز مطالعات راهبردی نصر)؛ «مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الْاِقْتِصَادَ اَهْلَكَهُ اِسْرَافٌ: هر کس به خوبی میانه‌روی نکند، اسراف او را هلاک خواهد کرد» (همان: ح ۸۰۷۴)؛ «كَثْرَةُ السَّرْفِ يُدْمِرُ: اسراف زیاد، ویرانگر است» (همان: ح ۸۱۲۹)؛ «هیچ جهالتی همچون بیهوده خرج کردن نیست» (همان: ح ۸۱۴۴) و «كُنْ سَمِحاً وَ لَا تَكُنْ مُبَدِّراً وَ كُنْ مُقَدِّراً وَ لَا تَكُنْ مُقْتَرّاً: دست‌ودل‌باز باش، نه ولخرج، و میانه‌رو باش، نه خسیس» (نهج‌البلاغه / ح ۳۳).

۸- قواعد مربوط به مقدار مصرف

در اسلام قواعد خاصی برای مقدار مصرف کالاها و خدمات ارائه شده است که مهم‌ترین این قواعد، رعایت قصد یا رعایت حد اعتدال و میانه‌روی در مقدار مصرف می‌باشد.

۱-۸) قاعده رعایت اعتدال و میانه‌روی در مصرف (قصد)

به طور کلی، در نگرش اسلام بنیاد همه امور بر میانه‌روی و اعتدال می‌باشد و هر گونه رفتارهای بیرون از این چارچوب نه تنها نادرست و نابهنجار، بلکه گناه، حرام و گناه جرم تلقی می‌شود. همان‌گونه که زیاده‌روی، اتراف، اسراف و تبذیر اموری مردود، مذموم و گناه شمرده شده است. همچنین استفاده نکردن از نعمت‌های حلال خداوند و بهره‌مند نبودن از آن در راستای آسایش، آرامش و کمال، امری مذموم و ناپسند دانسته شده است.

۲-۸) قاعده تحریم اسراف و تبذیر

اسراف، زیاده‌روی در مصرف و ریخت‌وپاش یکی از معضلات و ناهنجاری‌های بزرگ اجتماعی است که امروزه بسیاری را گرفتار خود کرده است و موجب اتلاف منابع، فروریختن آرامش و از بین رفتن کانون گرم خانواده‌ها شده است. در قرآن کریم این بلای اجتماعی مذموم و خانمان‌سوز یکی از شاخصه‌های نظام فاسد فرعونی تلقی شده است.

۸-۳) قاعده ممنوعیت تقتیر و بخل

«تقتیر» به معنی ترک مصرف کالاها و خدمات نسبت به حدّ اعتدل؛ یعنی انجام دادن کمتر از حدّ اعتدال اعمال یا رفتار است. این مفهوم در امور اقتصادی با کلمه بخل نیز مترادف گرفته شده است. در آیات و روایات از مؤمنان خواسته شده است که از بخل‌ورزی اجتناب نمایند: ﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ...﴾ آنها کسانی هستند که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل دعوت می‌کنند ﴿(النساء/۳۷)

حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «سخاوت‌مند باش، نه در حدّ ولخرجی (زیاده‌روی) و روی حساب خرج کن، نه در حدّ خسیسی».

۹- مصادیق اسراف و تبذیر

۹-۱) اسراف در آب

اهمیت حیاتی آب که منشاء زندگی و بقاست (الأنبیاء/۳۰)، بر کسی پوشیده نیست. امام صادق^(ع) در تشبیهی زیبا می‌فرماید: «طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ: مَرَّةٌ آبٌ، مَرَّةٌ زَنْدَقِي اسْت» (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق: ۴۶).

از این رو، زیاده‌روی در مصرف آب، به‌ویژه هدر دادن آن، هرچند به مقدار اندک، نکوهش شده است. همچنین امام صادق^(ع) می‌فرماید: «أَنْتِي الْإِسْرَافَ هِرَاقَةُ فَضْلِ الْمَاءِ...: كَمْتَرِينَ حِدَّ اسْرَافٍ، دَوْر رِيخْتِن تَهْمَانْدَةُ آبٍ [ظَرْفٍ] اسْت».

ایرانیان ۷۰ درصد بیشتر از الگوی جهانی آب مصرف می‌کنند (ر.ک؛ نواصر، ۱۳۸۹: ۶۴).

بد نیست اشاره کنیم که در حال حاضر، سه مورد استفاده اساسی از آب شامل مصارف «کشاورزی»، «صنعتی و تولید نیرو» و «شهری» روزبه‌روز در حال افزایش است. طبق گزارش‌ها، مصرف سرانه آب (لیتر در روز)، در شیراز ۱۵۵ لیتر، در قم ۱۶۶ لیتر، در خوزستان ۲۳۴ لیتر بوده است، در حالی که در ظهرون عربستان ۸۷ لیتر، در مکزیک ۱۰۰ لیتر و در مالزی ۹۰ لیتر است.

برابر آمار، میزان آب مصرفی کشور عزیزمان، ایران، در سال ۱۳۴۰، حدود ۴۰ میلیارد مترمکعب بوده است. این رقم در سال ۱۳۷۶، به حدود ۸۳ میلیارد مترمکعب (تقریباً ۲ برابر) رسید و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۱۴۰۰، مقدار آب‌های مصرفی ایران در تمام زمینه‌ها به ترتیب زیر باشد:

- افزایش آب شرب، ۲/۲۵ برابر خواهد شد.

- آب مورد نیاز صنایع، ۳/۸ برابر خواهد شد.

- آب مورد نیاز بخش کشاورزی و پرورش آبزیان به ۲ برابر خواهد رسید.

با توجه به روند رو به تزاید مصرف آب و کمبودهای ناشی از عدم بارش و به تعبیری خشکسالی، در صورت عدم رعایت الگوی مصرف بهینه آب، مردم ایران به طور عام و اهالی مناطق مرکزی و خشک کشور به طور اخص، درگیر مشکلات عدیده‌ای خواهند شد.

۲-۹ اسراف در خوردنی‌ها و سایر آشامیدنی‌ها

در آیات قرآن، با اشاره به حق آدمی در استفاده از غذا و آب، بر این نکته تأکید شده است که در این امر، اسراف و زیاده‌روی نشود: ﴿...كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا...﴾ (الأعراف/۳۱).

به عنوان مثال، سرانه مصرف روغن در ایران، ۱۷ کیلوگرم و مصرف سرانه دنیا، ۱۲/۵ کیلوگرم است (ر.ک؛ نواصر، ۱۳۸۹).

۱-۲-۹ اسراف در لباس

لباس، وسیله حفظ و مایه زینت و آراستگی آدمی است (الأعراف/۲۶). با این حال، در آموزه‌های دینی بر میانه‌روی در استفاده از آن تأکید، و تجاوز از آن، اسراف دانسته شده است (ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۳).

امام صادق^(ع) می‌فرماید: «اسراف عبارت از آن است که لباس نو را در جایی که باید لباس فرسوده پوشید، پوشی» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۱۷).

تردید نیست که حسن تنوع طلبی و تمایل به شیک پوشی، آراستگی ظاهری و زیبایی، از امور غریزی آدمی است و در آموزه‌های اسلامی نیز مورد تأیید، بلکه تشویق قرار گرفته است. برای نمونه، امام صادق (ع) فرمودند: «بر تو باد که خویشان را به بهترین شکل بیارایی...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۴۴).

۹-۲-۲) اسراف در وسائل نقلیه

مرگب و وسیله نقلیه نیز ممکن است از نظر کمیت و کیفیت مصداقی برای اسراف باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «... وَیَرْکَبُوا قَصْدًا... أُنْتَرَى اللَّهُ ائْتَمَنَ رَجُلًا عَلَى مَالِ خَوْلٍ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بِهٖ عَشْرَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ یَجْزِیْهِ فَرَسًا بَعِشْرَیْنِ دِرْهَمًا!... وَ قَالَ ﴿فَلَنْقُصَنَّ عَلَیْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِیْنَ﴾ (الأعراف/۳۱)» (عیاشی، ج ۱۳: ۲ و تفسیر برهان، ج ۲: ۱۰).

یعنی؛ «و خداوند تجویز فرمود که مردم در حدّ میانه از مرگب استفاده کنند... آیا چنین می‌پنداری که خداوند، مالی را نزد مردی امانت می‌نهد و نگاه به وی اجازه می‌دهد تا اسبی به ده هزار درهم بخرد، در حالی که اسبی به بیست درهم او را کافی است... [مگر نه آن است که خود] فرمود: ﴿و مسلماً (اعمال آنان را) با علم (خود) برای ایشان شرح خواهیم داد؛ و ما هرگز غایب نبودیم!﴾».

۹-۲-۳) اسراف در هزینه‌های ازدواج

در روایات، ازدواج و پیوند زناشویی امری الهی دانسته شده است که تعادل و میانه‌روی در آن سفارش شده است و تجاوز از آن حرام گردیده است (ر.ک؛ همان).

حرمت اسراف، تمام هزینه‌های بیهوده ازدواج را در بر می‌گیرد. اسراف در هزینه‌های ازدواج دارای ابعاد گوناگونی است. نخست سنگین گرفتن مهریه‌ها و از حد گذشتن در این باره، مقدار مهریه با اینکه ظاهراً بر خلاف ظاهر برخی آیات (مثل النساء/۲۰ و القصص/۲۸-۲۷) و نظر شهور فقیهان (ر.ک؛ حلی: ۱۲۹ و نجفی، ج ۳۱: ۴۷)، در افزایش آن محدودیتی نیست، ولی بر کم بودن مقدار آن سفارش بسیار شده است (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۲۴)، به‌ویژه تأکید می‌شود که از

مهر السنّة پیامبر اکرم^(ص) (یعنی مقدار پانصد درهم یا پنجاه دینار (ر.ک؛ فتح‌الله، ۱۳۶۸: ۱۹۴) که برای همسران و دختران خود قرار می‌داد) فراتر نرود (ر.ک؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵: ۱۲-۵ و کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۷۷-۳۷۸).

دوم زیاده‌روی در تهیّه لوازم زندگی (جهیزیه)، به‌ویژه مطالبه کالاهای لوکس و تجملاتی یا وسایلی که در درجه نخست از اهمیّت قرار نمی‌گیرند و از جمله افراط در مطالبه یا خرید زیورآلات که بیشتر ناشی از حسّ هم‌چشمی و رقابت یا خودنمایی و فخرفروشی است، چنان‌که گاه عروس و داماد، وضعیّت خود را با شرایط زندگی پدر و مادر خود مقایسه می‌کنند و تمام امکانات موجود آنان را خواستارند (ر.ک؛ قیوم‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۹).

۹-۲-۴) اسراف در حامل‌های انرژی

امام کاظم^(ع) به نقل از حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «خمس تذهب ضیاعاً: سراج تقدّه فی الشّمس... والّضوء لا ینتفع به: پنج چیز ضایع می‌گردد: چراغی که آن را در [نور] خورشید برافروزی، ... و نوری که از آن استفاده نشود» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۸۵).

در واقع، این‌گونه روایات معیارهای اسراف را بر استفاده نابجا از نور و چراغ تطبیق داده است و بدین سان، هر گونه مصرف نادرست از انرژی و یا هدر دادن آن - که چراغ و نور هم نمونه‌ای از آن است - اسراف به شمار می‌آید. سالانه میانگین هدررفت انرژی در ایران، بالغ بر ۸ میلیارد دلار است و در صورت روند فعلی، ایران تا سال ۱۳۹۷ به واردکننده فراورده‌های نفتی تبدیل خواهد شد (ر.ک؛ نواصر: ۱۳۸۹). طبق آمار معتبر، از مجموع انرژی برق تولیدی کشور، ۳۳/۴ درصد در بخش‌های خانگی، ۳۲/۴۵ درصد در بخش صنعتی، ۱۲/۹ درصد در بخش عمومی، ۱۱/۶ درصد در بخش کشاورزی، ۲/۵۹ درصد در روشنایی معابر و ۶/۵۴ درصد در سایر مصارف استفاده می‌شود و در هر یک از این بخش‌ها، موارد پنهان و آشکار بسیاری وجود دارد که ائتلاف منابع را هشدار می‌دهد و می‌توان با توسّل به اصلاح قوانین، فرهنگ‌سازی، اصلاح قیمت، استفاده از تجهیزات مناسب و... و امثال اینها در راستای اصلاح وضعیّت نامناسب کنونی مصرف اقدام کرد (ر.ک؛ ادیب و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۶). سرانّه مصرف برق در ایران، سه برابر میانگین جهانی و در رتبه ۱۹ جهان قرار

دارد و دولت سالانه یارانه‌ای معادل ۴ هزار میلیارد تومان برای برق می‌دهد (ر.ک؛ نواصر: ۱۳۸۹). در ایران به ازای هر متر مربع ساختمان، ماهیانه ۳۰ متر مکعب گاز، ولی در اروپا ۵/۵ متر مکعب گاز مصرف می‌شود.

۹-۲-۵) اسراف در اموال عمومی و بیت‌المال

از بدترین انواع اسراف، تضييع اموال عمومی و هدر دادن سرمایه‌های متعلق به بیت‌المال است؛ زیرا علاوه بر گناه اسراف و پیامدهای اقتصادی منفی آن، خود مایه تضييع حقوق همه مردم است و آدمی را مدیون همه افراد جامعه خواهد کرد. روشن است که حفظ و پاسداری از بیت‌المال، هم وظیفه مسئولان دستگاه‌های حکومتی، مدیران و کارمندان است و هم بر عهده عموم مردم.

۹-۲-۶) اسراف در نان

بالاترین نرخ مصرف نان جهان در ایران است. مصرف سرانه نان در ایران حدود ۱۶۰ کیلوگرم، در فرانسه ۵۶ کیلوگرم و در آلمان ۷۰ کیلوگرم است (ر.ک؛ نواصر، ۱۳۸۹: ۶۳).

از دیگر مصادیق اسراف، می‌توان موارد زیر را احصاء کرد:

اسراف در سرمایه نیروی انسانی (اتلاف وقت و عدم بهره‌برداری مناسب از نیروی انسانی)، اسراف در برگزاری همایش‌ها و سمینارهای غیرضروری، اسراف در تجهیزات اداری و سازمانی، اسراف در جوایز اهدایی به کارکنان و ...

۱۰- آثار زیانبار اسراف و تبذیر

۱۰-۱) وابستگی، فقر و بیچارگی کشور

مصرف‌گرایی، ریخت و پاش و اسراف یکی از پدیده‌های اقتصادی است که پس از انقلاب صنعتی غرب به منظور پیدا کردن بازار مصرف مطمئن برای کالاها و صنایع تولیدی دولت‌های غربی و کسب سود بیشتر، رونق چشمگیری پیدا کرد و کشورهای مختلف جهان، به‌ویژه ملل جهان سوم به عنوان منبع مهم تأمین‌کننده مواد خام اولیه کارخانه‌های صنعتی کشورهای غربی و بازار

مصرفی آنان مبتدل گردید. در حال حاضر نیز یکی از استراتژی‌های بسیار خطرناک دشمنان در استفاده از حربۀ تحریم، تکریم بر نحوه مصرف در کشور است. آنها با مطالعه و بررسی بیشترین اقلام مصرفی سعی می‌کنند ایران را در بخش‌هایی که بیشتر مصرف می‌کند، در فشار و تنگنا قرار دهند. مصرف‌گرایی، اقتصاد کشور ما را بیش از پیش وابسته و روزبه‌روز بر واردات ما می‌افزاید. به عنوان مثال، در سال ۱۳۸۷ بیش از ۵۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی صرف ورود کالاهای مصرفی شده است و این یکی از بلاهای خانمان‌سوزی است که در صورت عدم علاج، کشور را به عقب‌ماندگی و وابستگی مطلق سوق خواهد داد.

اگر جامعه‌ای به اسراف و مصارف بی‌رویه عادت کرد، فقر، بیچارگی و احساس نیاز دامن آن را خواهد گرفت و یا حتی ممکن است این روند موجب گردد همواره دست نیاز آنها به سوی بیگانگان دراز باشد و در نتیجه، استقلال سیاسی و فرهنگی آنها مورد تهدید قرار گیرد. بنابراین، افراد یک جامعه می‌توانند با پرهیز از اسراف، تذبذیر، تجمل‌گرایی و کاهش مصارف غیرضروری و توسعه فرهنگ ساده‌زیستی، از یک سو، زمینه مصرف سرمایه‌های اضافی در امور زیربنایی را فراهم سازند و بسترهای ایجاد اشتغال مؤد و فعال را فراهم نمایند و از سوی دیگر، کشور را از وابستگی و سقوط نجات دهند.

۱۰-۲) اضطراب و نگرانی در خانواده‌ها

در کشور ما کم نیستند خانواده‌هایی که طبخ غذاهای متنوع، بهره‌مندی از کلکسیون لباس‌های رنگارنگ، داشتن خانه‌های اشرافی و اتومبیل‌های گران‌قیمت و به طور کلی، مصرف‌گرایی و اسراف را نشانه عزت، بزرگی و شرافت خانوادگی خود دانسته است و با همین نگرش غلط، روزبه‌روز بر طبل مصرف‌گرایی می‌کوبند، این شیوه از زندگی، خانواده‌ها را در یک مسابقه دائمی برای چشم و هم‌چشمی، خودنمایی و تبرج می‌کشاند، چراکه دائماً می‌خواهند لباس‌هایی بپوشند که دیگران ندیده و نداشته باشند، اتومبیل‌هایی سوار شوند که آخرین مدل باشد، به‌گونه‌ای مجلس‌آرایی و سفره‌آرایی نمایند که دیگران انگشت به دهان بمانند. حاکمیت این فرهنگ غلط مصرفی بر خانواده‌ها موجب می‌شود برای عقب‌نماندن از دیگران روزبه‌روز به اسراف، ریخت‌وپاش و مصارف

غیرضروری و بی‌رویه گرایش بیشتری داشته باشند و قطعاً همین مسئله زمینه‌های اضطراب، نگرانی و تشویق خاطر را در این دسته از خانواده‌ها عمیق و گسترده‌تر می‌نماید.

۳-۱۰ فقدان لذت معنوی

اهل اسراف و خوشگذرانی لذات معنوی را درک نمی‌کنند؛ زیرا عبادت، عرفان، سیر و سلوک اخلاقی و معنوی درست در نقطه مقابل آن می‌باشد. بنابراین، یکی از آثار زیانبار مصرف‌گرایی و غرق شدن در زندگی مادی و دنیوی، محروم شدن از درک لذت‌های معنوی می‌باشد.

۴-۱۰ سلب نعمت‌های الهی و هلاکت جامعه

بی‌گمان یکی از آثار بسیار خطرناک و زیانبار اسراف و تبذیر، ریخت‌وپاش، تجمل‌گرایی و خوی اشرافیگری سلب نعمت‌های الهی است، چراکه اسراف و تبذیر نوعی بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به نعمت‌های الهی و در واقع، روح ناسپاسی نسبت به منعم است؛ زیرا شکر منعم زمانی حاصل می‌شود که از نعمت‌های عطا شده بهره‌برداری بهینه شود و این با ریخت‌وپاش و اسراف سازگاری ندارد (ر.ک؛ سنایی‌فر، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

یکی از معارفی که در سراسر متون دینی و در متن سیره و سنت انبیاء، اولیاء و بزرگان دین در قول و فعل آنها در طول تاریخ ساری و جاری بوده است و تأثیر بسیار زیادی در اصلاح الگوی مصرف دارد، بحث «قناعت» می‌باشد. تاریخ درخشان زندگی انبیاء، رهبران الهی و مراجع معظم تقلید و علماء و بزرگان دینی، الگوی بی‌مثالی برای رهروان و رهپویان آنان می‌باشد. این بزرگواران در طول زندگی سراسر افتخارآمیز خود به اصل ارزشمند «قناعت و صرفه‌جویی» پایبند بوده‌اند و هرگز دچار کمترین رفاه‌زدگی، تجمل‌گرایی، دنیاطلبی، اسراف و تبذیر نشده‌اند و همواره همگان را به اصل ساده‌زیستی، میانه‌روی، زهد، صرفه‌جویی و اجتناب از تعلق به دنیا و زخارف مادی و مصرف‌گرایی، تشویق و دعوت نموده‌اند، ولی متأسفانه راه و رسم زندگی ما، اعم از فقیر و غنی، در تمام زمینه‌ها فاصله بسیار زیادی با این أسوه‌های بی‌نظیر دارد.

باید دردمندانه اذعان کرد که مشکل اصلی جامعه ما برای مقابله با پدیده ناهنجار و شوم مصرف‌گرایی فقر مبانی تئوریک و نقصان علوم و معارف نظری نیست، بلکه عدم آگاهی و بیگانگی ما با معارف بلند اسلامی و در حاشیه بودن آموزه‌های دینی در متن زندگی ماست، در یک جامعه اسلامی به هیچ وجه قابل قبول نیست که افراد آن با وجود برخورداری از فرهنگ غنی و پر بار اسلامی در همه زمینه‌ها، به‌ویژه بحث «قناعت و صرفه‌جویی» از برخی از جوامع که از داشتن چنین تعالیمی محروم هستند و صرفاً ملاحظیات مادی آنان را به صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف واداشته است، عقب بمانند، بلکه باید با بهره‌گیری از این تعلیمات، در این زمینه خود الگوی سایر جوامع باشند. به عنوان مثال، در ژاپن، اصطلاح «موتی تایی» یک روح قناعت و صرفه‌جویی را به آنها داده است که ضمن تلاش زیاد و کار مؤثر و مفید حداکثر استفاده از امکانات موجود بنمایند، آنان، به‌رغم آنکه دومین تولیدکننده کاغذ دنیا هستند، به هیچ وجه کتب و روزنامه‌های خواننده شده را دور نمی‌اندازند، آنان تمام زباله‌های خود را بازیافت می‌کنند، در مصرف انرژی به شدت صرفه‌جو هستند و به جای استفاده از سیستم‌های بزرگ و پرهزینه تهویه مرکزی، سعی می‌کنند از وسائل بدون هزینه ابتدایی از جمله کیسه‌های شنی انفرادی، لباس گرم و... برای گرم کردن اعضای خانواده استفاده نمایند.

راه‌های مقابله با مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی

برای مقابله با مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی باید:

- در زندگی باید سیره و سنت اولیاء... و بزرگان را الگو قرار دهیم.
- به برگزاری همایش‌ها و کنگره‌های کاربردی برای آموزش الگوی مصرف بپردازیم.
- برای جلوگیری از اسراف، فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر را اجرا کنیم.
- به فرهنگ‌سازی و تبیین الگوی مصرف از طریق تعلیم و تربیت (در مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیّه)، رسانه‌ها، صدا و سیما، مطبوعات، روزنامه، سازمان‌ها و... بپردازیم.
- بر مصرف در تمام سطوح و در همه سازمان‌ها، ارگان‌ها، شرکت‌ها و... نظارت صحیح داشته باشیم.
- آموزش الگوی مصرف به کودکان را از همان اوان کودکی مد نظر داشته باشیم.

- برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتی در نظام تولید - توزیع و مصرف از طریق وضع قوانین و مقررات، هدفمند کردن یارانه‌ها، اصلاح قیمت‌ها، جلوگیری از قاچاق و اصلاح تعرفه‌های گمرکی، تدوین منشور اصلاح الگوی مصرف، تعدیل هزینه‌های جاری و الزام نهادها و سازمان‌های دولتی به بهبود مدیریت، اصلاح فرآیند کارها، حذف هزینه‌های غیرضروری و در نتیجه، ارتقا کارایی و بهره‌وری، کمک به صنایع و بنگاه‌ها در استقرار فناوری‌های جدید با استاندارد بالا به منظور کاهش ضایعات مواد اولیه، صرفه‌جویی در منابع مالی، انسانی و افزایش کیفی تولیدات و خدمات و ارتقا بهره‌وری.

- ارائه راهکارهای عقلانی کردن هزینه و فایده در مخارج خانواده.

- آگاه کردن مردم از استانداردهای جهانی مصرف تمام کالاها، به‌ویژه انرژی.

- تبیین مذمت و قباحت اسراف از نظر شارع مقدس با عنایت به حرمت شرعی در آیات و روایات.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۶۸). *ثواب الأعمال*. چاپ دوم. قم: انتشارات الرضی. _____ (۱۴۱۳ق.). *من لا یحضره الفقیه*. جلد ۴. قم. ص ۱۳.

ادیب، یوسف و دیگران. (۱۳۸۸). «نقش زن ایرانی در اصلاح الگوی مصرف و ارائه راهکار». *مهندسی فرهنگی*. سال چهارم. شماره ۳۵-۳۶. ص ۷۶.

بحرانی، هاشم‌بن سلیمان. (بی‌تا). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثة قسم الدراسات الإسلامية.

بقائی، حسین و کامیار قهرمانی فرد. (۱۳۸۸). «جهانی شدن مصرف‌گرایی و نقش آموزش و پرورش در اصلاح الگوی مصرف». *مهندسی فرهنگی*. سال چهارم. ص ۶۰.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

رزاقی، ابراهیم. (۱۳۷۴). *الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی*. تهران: چاپ پخش. صص ۱۶۳-۱۶۴.

حکیمی، محمدرضا، محمد و علی حکیمی. (۱۳۷۸). *الحیات*. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق.). *وسائل الشیعه*. تحقیق عبدالرحیم ربّانی شیرازی. چاپ ششم. تهران: مکتبه الإسلامیة.

راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۳ق.). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: الدار السیامیة. ص ۴۰۷.
ربّانی، رسول ویاسر رستگار. (۱۳۸۷). «جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی». *مهندسی فرهنگ*. سال سوم. شماره ۲۳ و ۲۴.

رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۶). *توسعه و تضاد*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
سنایی راد، رسول. (۱۳۸۸). «مصرف زدگی نماد از خود بیگانگی انسانی». *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*. شماره اول. ص ۹.

سنایی فر، اکبر. (۱۳۸۸). الف. «نگرشی بر بحث اسراف و تبذیر و آثار زیانبار آن». *اندیشه بسیج*. شماره ۲۶.

_____ . (۱۳۸۸). ب. «نقش فحاعت در اصلاح الگوی مصرف». *اندیشه بسیج*. شماره ۲۵. صص ۳۵-۴۲.

شریف الرّضی، محمد بن حسین. (بی تا). *نهج البلاغه*. تصحیح صبحی صالح. قم: انتشارات دارالهجرة.

طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. قم: شریف رضی.

طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴ق.). *الأمالی*. چاپ اول. قم: دار الثقافة.

عزّتی، مرتضی. (۱۳۸۸). *اصلاح الگوی مصرف*. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

عبداللّهی فر، حسن. (۱۳۹۰). «جهاد اقتصادی و رسالت هادیان». *هدایت*. سال یازدهم. شماره ۱۱۴-۱۱۵.

عبداللّهی، محمداسماعیل. (۱۳۹۲). «تحلیل عوامل اسراف». *ماهنامه مبلغان*. شماره ۱۷۲.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: چاپخانه علمی.

- قیوم‌زاده، محمود. (۱۳۸۸). «معیار مصرف الگویی در مُدیل اسلامی». *مهندسی فرهنگی*. سال چهارم. شماره ۳۵-۳۶.
- کلانتری، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). *اسلام و الگوی مصرف*. قم: انتشارات بوستان کتاب. ص ۱۹.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مرادزاده، علی. (۱۳۸۸). «ابعاد و الزامات الگوی مصرف». *هدایت*. سال نهم. شماره ۹۰-۹۱.
- مرادزاده، علیرضا. (۱۳۸۸). «تحلیلی بر اصلاح الگوی مصرف». *معراج اندیشه*. سال سوم. شماره ۵.
- نواصر، مجید. (۱۳۸۹). «بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف، مقدمه همت مضاعف و کار مضاعف». *هدایت*. سال دهم. شماره ۱۰۴.
- هفته‌نامه صبح صادق. (۱۳۸۸). معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه. ۱۳۸۸/۳/۴.

